

## **Political Culture and Environmental Movements in The West**

**Loghman Kazem Pour\***

### **Abstract**

Environment has always been an important component of human life throughout history. today, human beings have dominated the nature. This has resulted in a wide variety of dire issues for them Formulating the relation of human and the nature since 19th became the crux of the matter for the community and the politics in the world, especially in advanced countries. Since then, tens of thousands of conferences, including Stockholm' conference in 1971 and Rio de Janeiro's conference have shaped to cope with ecological risks. Beside these governmental players, other groups, particularly environmental social movements have played a leading role in this case. These movements in 1960 shaped in the western world and spread all over the world and these days no one dares to deny the importance of their part. but these movements are more important in industrialized countries compared to third world comminutes. Thus, the main question of this article is analyzing and finding the main reasons of mentioned developments in the western countries. To respond to this question, we are going to exam following assumption: it's crystal clear that political culture, especially civic political culture has played c crucial role in creating, growing, continuing and changing the nature og mentioned movements to a great extent. Methodical research in this essay is descriptive-analytical. The ways of collecting data are using various books and utilizing net - based recourses.

**Keywords:** political Culture, west, Social Movements, Environemtal Movements, Civic Culture.

\* Ph.D. Political Sociology, Razi University Kermanshah, Kermanshah, Iran, l\_k\_1385@yahoo.com.sg

Date received: 06/02/2023, Date of acceptance: 20/05/2023





## فرهنگ سیاسی و جنبش‌های زیست محیطی در غرب

لقمان کاظم‌پور\*

### چکیده

امروزه جنبش‌های زیست محیطی به بخش انکار ناپذیر واقعیت سیاسی کشورهای توسعه یافته تبدیل شده‌اند. و به نیرویی مهم سیاسی و اجتماعی در این جوامع تبدیل شده‌اند و در فرایند سیاست‌گذاری‌ها نقش عمده‌ای دارند و در پی آن هستند که با فشار به سیاست‌گذاران سیاست‌هایی را موافق محیط زیست تصویب کنند. هدف مقاله حاضر، تبیین نقش فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری جنبش‌های زیست محیطی در غرب است. (هدف) پرسش اصلی این است که مهمترین علت یا علل گسترش و تکامل جنبش‌های زیست محیطی در غرب چه می‌باشد؟ (پرسش) برای این منظور، از روش توصیفی-تحلیلی و نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا استفاده شده است. (روش) یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وجود اجماع گسترده بر سر قواعد بازی در کشورهای توسعه یافته منجر به شکل‌گیری نوع خاصی از فرهنگ سیاسی شده است که اندیشمندان علوم سیاسی، به ویژه آلموند و وربا آن را فرهنگ سیاسی مدنی یا فرهنگ وفاق‌گرا نامیده‌اند. (یافته‌ها) نهادینه شدن این نوع فرهنگ سیاسی باعث ایجاد ثبات سیاسی گسترده در جامعه شده است که منجر به شکل‌گیری نیروهای گسترده سیاسی از جمله جنبش‌های اجتماعی زیست محیطی شده است که از دهه ۱۹۶۰ برای بازتاب دادن بحران‌های زیست محیطی در عرصه ملی و بین‌المللی وارد گود سیاست در کشورهای مختلف از جمله جوامع توسعه یافته شدند و فرهنگ مدنی منجر به نهادینگی این جنبش‌ها در کشورهای دمکراتیک شده است. در نتیجه نظریه فرهنگ سیاسی، رشد و گسترش جنبش‌های زیست محیطی در کشورهای توسعه یافته با دقت بالایی توضیح می‌دهد. در چهارچوب این نظریه، نهادینگی و تکامل جنبش‌های زیست محیطی متأثر از حاکمیت مدنیت سیاسی و بلوغ فرهنگی

\* دکترای تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران، 1\_k\_1385@yahoo.com.sg

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰



کشورهای مزبور است که این جنبش‌ها را به واقعیت زندگی سیاسی این جوامع تبدیل کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ سیاسی، جنبش‌های زیست محیطی، کشورهای دموکراتیک، فرهنگ مدنی.

## ۱. مقدمه

محیط زیست یکی از مهمترین مولفه‌های زندگی بشر در طول تاریخ بوده است و حتی اهمیت آن بر رشد و پرورش مردم مورد تاکید بسیاری از فیلسوفان یونان باستان بوده است. با گذشت زمان و شکل‌گیری انقلاب صنعتی و رشد سرمایه‌داری و همراه با آن مصرف‌گرایی، محیط زیست منبعی برای تولید و بدست آوردن ثروت شد و و به مرور غلبه نگاه سودگرایانه و اثباتی منجر به پیشروی گسترده در محیط زیست و سلطه کامل انسان بر آن شد. اما این پیشروی در طبیعت بهای سنگینی داشته است.

مسائل زیست محیطی ابتدا در قرن نوزدهم در قالب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی برای مدیریت بر منابع، مورد توجه کشورها در سیاست بین‌المللی قرار گرفت. مثلاً کمیسیون رودخانه راین و کمیسیون رودخانه دانوب؛ که این توافقنامه‌ها اکنون عمیقاً در سیاستهای زیست محیطی دخالت دارند و ابتدائاً حیات خود را به صورت تنظیم‌ترتیباتی برای تسهیل استفاده اقتصادی از این رودخانه‌ها به عنوان راه‌های آبی، شروع کردند (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۸۶۳-۸۶۴). پس از آن، نخستین گام‌ها در قرن بیستم در این زمینه را می‌توان به تلاش‌های مجمع عمومی سازمان ملل در تشکیل یک کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست در شهر استکهلم سوئد اشاره کرد. این کنفرانس بزرگترین کنفرانس بین‌المللی در مورد محیط زیست بود که تا آن تاریخ تشکیل شده بود و در آن ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور و نزدیک به همین تعداد نمایندگان از سازمانهای بین‌المللی و ۷۰۰ نفر ناظر اعزامی از ۴۰۰ سازمان غیردولتی و ۱۵۰۰ خبرنگار شرکت داشتند و تدوین سند‌های مهمی از جمله اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست در ۲۶ اصل در جهت حفظ محیط زیست، و یک برنامه با دستورالعملی مشتمل بر ۱۰۹ توصیه برای تعهدات هماهنگ برای مقابله با مشکلات محیط زیستی از جمله دستاوردهای این کنفرانس بود. برگزاری این کنفرانس نقطه عطفی در زمینه توسعه سیاست بین‌المللی درباره محیط زیست بود. در این کنفرانس اهمیت مسائل بین‌المللی زیست محیطی به عنوان بخشی از مسائل بین‌المللی نهادینه شد و این اصل که کشورها موظفند

با اقداماتی جهانی در زمینه اداره بهینه منابع مشترک جهانی همکاری نمایند، پایه ریزی گردید (سیمبر، شاه مختار و آشوری، ۱۳۹۲).

در کنار این سازمان‌های دولتی، سازمان و گروه‌های غیر دولتی به ویژه جنبش‌های اجتماعی نیز شکل گرفتند که نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده‌اند. این جنبش‌ها که اکثراً در دهه ۶۰ میلادی در غرب و امریکا ایجاد شدند، نقش مهمی در ایجاد آگاهی بخشی در زمینه مخاطرات محیط زیستی ایفا کرده و توانسته‌اند دولت‌های شان را وادار به باز اندیشی در سیاست‌های زیست محیطی و صنعتی خود کنند. این جنبش‌های جدید اجتماعی با فعالیت در حوزه جامعه مدنی، نوآوری و ابتکاراتی در این زمینه ایجاد کرده‌اند؛ از جمله با ایجاد تظاهرات و میتینگ و لابی‌گری موفق شده‌اند به عنوان یک گروه مطرح و موثر در جامعه، سیاست‌های خود را مورد نقد قرار داده و تجربیات خود را به ساختارهای تصمیم‌گیری انتقال دهند. و هم‌اکنون نیز در برخی از کشورهای غربی مانند آلمان به عنوان حزبی سیاسی در حال فعالیت هستند و کرسی‌هایی در مجالس نمایندگی این کشور بدست آورده‌اند و بنابراین در حمایت یا مخالفت با سیاست‌های دولت در زمینه محیط زیست، نیروی سیاسی تاثیرگذار و مهمی محسوب می‌شوند.

بدین ترتیب، سوال محوری و دغدغه اصلی این مقاله اینست ریشه و علل اصلی تحول و رشد جنبش‌های زیست محیطی در اروپا چه بوده است؟ برای پاسخ به این سوال، فرضیه ذیل را مورد سنجش قرار می‌دهیم: به نظر می‌رسد عامل فرهنگ سیاسی به ویژه فرهنگ سیاسی مشارکتی زمینه ایجاد، رشد، تداوم و تحول این جنبش‌ها را فراهم کرده است. برای تحلیل و بررسی داده‌های این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده واقع شده است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و استفاده از منابع اینترنتی می‌باشد.

## ۱.۱ چهارچوب نظری

گابریل آلموند و سیدنی وربا، فرهنگ سیاسی را: "گرایش‌ها و جهت‌گیریهای سیاسی خاص نسبت به نظام سیاسی و اجزاء مختلف آن و نیز تمایلات نسبت به نقش خود در سیستم تعریف می‌کنند"، هم‌چنین آنها این مفهوم را بر اساس "مجموعه‌ای از جهت‌گیریها نسبت به مجموعه‌ای خاص از فرایندها و روندهای اجتماعی تعریف می‌کنند" (Gabriel & Verba, 1989: 12). روزنام، فرهنگ سیاسی را جهت‌گیریهای تعریف می‌کند که در آن یک شخص یا

گروه نسبت به عناصر اصلی نظام سیاسی دارد یا نحوه ارزیابی و پاسخ توده ها به مقامات و نهادهای سیاسی شان (Rosenbaum, 1975: 4).

الموند و وربا سه نوع جهت گیری را از هم تمایز می دهند: ۱. جهت گیری شناختی: دانش و اعتقادی درباره نظام سیاسی، نقش های آن و.. ۲. جهت گیری ارزیابی کننده: قضاوتها و دیدگاه ها درباره فرایندهای سیاسی که معمولا شامل ترکیبی از معیارهای ارزشی و انتقادی با استفاده از اطلاعات و احساسات است ۳. جهت گیری احساسی: احساسات درباره نظام سیاسی، نقش ها و عملکردهای آن است (Gabriel & Verba, 1989:14). آنها بر اساس این جهت گیریها سه نوع فرهنگ سیاسی را از هم تمایز می دهند:

۱. فرهنگ سیاسی محدود: در این جوامع، نقش های تخصصی شده و منفک شده وجود ندارد. همچنین در این جوامع انتظار اینکه نظام سیاسی تغییری ایجاد کند، وجود ندارد. در این نوع نظام سیاسی، جهت گیری افراد نسبت به اهداف سیاسی فوق العاده ضعیف است و مردم تصور می کنند نمی توانند در شکل گیری اهداف نظام سیاسی موثر باشند. بنابراین در این شرایط طرح موضوعاتی مانند منافع، اهداف و امنیت و توسعه ملی محلی از اعراب ندارد (قوام، ۱۳۸۲: ۷۲).

۲. فرهنگ سیاسی تبعی: در این نوع فرهنگ سیاسی، مردم خود را از شرکت کنندگان فعال در فرایند سیاسی نمی پندارند و عملا اتباع حکومت تلقی می شوند (قوام، ۱۳۸۲: ۷۲). در واقع، در این فرهنگ مردم خود را شهروند تلقی نمی کنند و مشارکت شان منفعلانه است. بنابراین در چنین فرهنگی دمکراسی به سختی می تواند پا بگیرد و استوار بماند

۳. فرهنگ سیاسی مشارکتی: در این فرهنگ سیاسی افراد در شکل گیری و تجمیع نهاده ها و داده ها نقش پر رنگی دارند و شهروندان بر این باور هستند که می توانند در تصمیمات و اعمال سیاستمداران موثر واقع شوند. این فرهنگ سیاسی برخلاف دوتای قبلی بر حقوق متقابل شهروندان و نظام سیاسی استوار است. بنابراین این نوع فرهنگ سیاسی با نظام دمکراتیک کثرات گرایی سر و کار دارد که در آن هر گروهی به اندازه منابع و نفوذی که دارد می تواند در حوزه قدرت موثر واقع شود. اما این سه گونه فرهنگ سیاسی به طور ناب در دنیای واقع وجود ندارد و هر جامعه ای ترکیبی از اینها را در خود دارد. از جمله:

## فرهنگ سیاسی و جنبش‌های زیست محیطی در غرب (لقمان کاظم‌پور) ۱۵۷

۱. فرهنگ سیاسی محدود-تبعی: در این نوع فرهنگ افراد از وابستگی‌های قبیله‌ای و محلی بریده و با یک نظام سیاسی پیچیده‌تر با ساختارهای حکومتی متمرکز وارد می‌شوند (Gabriel & Verba, 1989:22). اما هم هنوز افراد به عنوان نیروی سیاسی ضعیف هستند و احزاب و گروه‌های توانایی چندانی برای تبدیل خواسته‌ها به سیاست را ندارند.

۲. تبعی-مشارکتی: شیوه‌ای که در آن تغییر از یک فرهنگ محدود به فرهنگ مشارکتی اتفاق می‌افتد. در این مرحله گروه‌های محدود و مستقل محلی، در انتقال به زیرساختارهای دموکراتیک مشارکت شاید نقش داشته باشند. در این فرهنگ بخش‌های از جامعه جهت‌گیریهای تخصصی بدست آورده‌اند و دارای مجموعه‌ای جهت‌گیریهای فعال هستند. درحالی‌که بقیه جمعیت به تمایلات حمایت از ساختار اقتدارگرایانه حکومت ادامه می‌دهند و نسبتاً دارای جهت‌گیریهای منفعلانه هستند (Gabriel & Verba, 1989: 24-25).

۳. محدود-مشارکتی: مسئله اصلی در این فرهنگ این است که فرهنگ سیاسی به طور برجسته‌ای محدود است. ارزش‌های ساختاری که معرفی شده‌اند معمولاً مشارکتی هستند. بنابراین مسئله اصلی توسعه جهت‌گیریهای تخصصی ورودی و خروجی در سیاست است (Gabriel & Verba, 1989:26).. در این فرهنگ سیاسی، افراد برای مشارکت سیاسی به شکل اجتماعات توده‌ای، ناسیونالیستی، انتخابات محلی و.. ترغیب می‌شوند. در هر صورت ممکن است سازمانهای نهاده و داده بر اساس منافع محدود عمل کنند و در نتیجه بر شیوه کار آنها خدشه وارد شود.

در کنار اینها، الموند و وربا، فرهنگ سیاسی مدنی را برای توصیف عناصر و ارکان اصلی فرهنگ سیاسی دموکراتیک وضع کردند. فرهنگ مدنی، فرهنگی است که در آن، فرهنگ سیاسی مشارکتی از طریق جهت‌گیری تبعی و محدود نسبت به مسائل سیاسی کشور متوازن می‌شود. فرهنگ سیاسی از این دیدگاه مرکب از جهت‌گیریهایی نسبت به سیاست و حکومت است که متضمن میزان بالایی از آگاهی سیاسی، احساس خودکفایی و توانایی فردی، تمایل به همکاری با دیگران و تمایل به شرکت در تصمیم‌گیریهای عضو است. در واقع یکی از ویژگیهای اصلی این فرهنگ این است که شهروندان احساس می‌کنند توانایی لازم برای تحت تاثیر قراردادن حکومت دارند، در کل فرهنگ مدنی بدین معنا با ثبات و دموکراسی نسبتی معنادار می‌یابد.

با توجه به مطالب یاد شده می توان گفت، فرهنگ سیاسی که نظام باورهای یک جامعه و جهت گیری های افراد را نسبت به نظام سیاسی نشان می دهد، در هر جامعه ای بر اساس نظام ارزش ها و تاریخ و فرهنگ آن شکل خاصی به خود می گیرد و نوع واکنش افراد و گروه ها را در جامعه نسبت به سیاست و حکومت مشخص می کند و نیز جایگاه آنها را در ساخت فرهنگ و سیاست مشخص می کند. بنابراین می تواند پارامتری مناسب برای توضیح پیدایش، رشد و تحول جنبش های زیست محیطی در غرب باشد.

## ۲. جنبش های اجتماعی زیست محیطی در اروپا و آمریکا

### ۱.۲ جنبش های اجتماعی

جنبش اجتماعی به عنوان تعامل در میان افراد، گروه ها، جمعیت ها، شبکه ها و سازمانهایی تعریف می شوند که در یک هویت جمعی به منظور ایجاد و یا جلوگیری از تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ورای نهادهای سیاسی موجود شریک هستند (مشیرزاده و هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۰۳).

### الف) ویژگی جنبش های اجتماعی

- مشخص بودن اهداف: جنبش های اجتماعی دارای مجموعه ای از اهداف مشخص هستند.
- داشتن برنامه: جنبش اجتماعی در صورتی موثر است که نوع تغییراتی را می خواهد ایجاد کند از طریق برنامه مشخص به مردم نشان دهد.
- داشتن ایدئولوژی: عامل گردآوری اعضاء جنبش و روش های نیل به اهداف را روشن می کند.
- ساختار و نحوه سازماندهی جنبش ها قطعی و از سلول های نیمه خود مختار تشکیل شده
- الگوهای عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره با دوستان و همسایگان و همکاران است (Tilly, 1999: 260)



## ب) انواع جنبش‌های اجتماعی

در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنرا به جنبش‌های کلانگر و خرد نگر تقسیم‌بندی کرد. که ویژگی‌های هر کدام را به طور خلاصه توضیح خواهیم داد.

### - کلان نگر یا قدیم

جنبش‌های کلان نگر حول ایدئولوژیهای کلان و عمده شکل می‌گیرند. جهت‌گیری‌ها این جنبش‌ها عمدتاً سیاسی است و خواهان تغییرات ساختاری و بنیادین در جامعه در جامعه هستند. این جنبش‌ها ساختارهای سیاسی را به چالش می‌کشند و اغلب در پی آن هستند که دگرگونی‌های سریع و عظیم در جامعه به وقوع بپیوندد. مانند جنبش‌های انقلابی، کارگری، ناسیونالیستی و بنیادگرا.

### - جنبش‌های خرد نگر یا جدید

اما ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید در دهه ۱۹۶۰ که با آغاز عصر مدرنیته و رشد نوگرایی در جوامع مختلف آغاز شد. این جنبش‌ها بیشتر خارج از کانال‌های رسمی نهادی عمل می‌کنند و بر مسائل سبک زندگی، اخلاق و هویت بجای اهداف محدود اقتصادی تاکید می‌کنند (CALHOUN, 1993: 385). جنبش‌هایی مانند حقوق زنان، جنبش صلح، و محیط زیست گرایان. از جمله این جنبش‌ها هستند و دارای ویژگی‌هایی همچون؛ غیر ابزاری بودن، گرایش به جامعه مدنی داشتن، سازماندهی غیر رسمی و انعطاف پذیر و ابستگی شدید به رسانه‌های جمعی از جمله ماهواره و اینترنت (نش)، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۲) هستند.

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که در عصر مدرنیته، جنبش‌های اجتماعی صرفاً جنبش‌هایی رهایی بخش نبوده‌اند بلکه انواعی از آنها مانند فمینیسم و محیط زیست توانسته‌اند با مفاهیمی چون قدرت و سیاست نیز ارتباط پیدا کنند.

## ۲.۲ تاریخچه جنبش‌های زیست‌محیطی در اروپا و آمریکا

جنبش‌های زیست محیطی به عنوان عنصری ضروری در موج جنبش‌های جدید اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که جوامع صنعتی را در سالهای اخیر در بر گرفته‌اند (Scott, 1990). برای شناخت بیشتر این جنبش‌ها، ابتدا آنها را تعریف و سپس تاریخچه و پایه اجتماعی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. جنبش زیست محیطی به عنوان جنبشی اجتماعی تعریف می‌شود

که شبکه‌هایی غیر نهادینه شده‌ای از افراد و گروهایی که فاقد وابستگی سازمانی هستند را شکل داده و انگیزه و هدف واکنش گروهی و جمعی در جهت برطرف کردن نگرانی‌ها و مشکلات زیست محیطی دارند. ریشه‌های این جنبش به تحولاتی بر می‌گردد که در فضای اقتصادی و جامعه اروپا و آمریکا رخ داد و سعی می‌شود که در مطالب زیر ریشه‌ها و انواع این جنبش مورد واریسی قرار بگیرد.

نگرانی از تاثیر مشکلات زندگی انسان مانند آلودگی آب و هوا به دوره روم باستان بر می‌گردد. الودگی به گسترش بیماری‌های واگیر دار در اروپا میان اواخر قرن ۱۴ و اواسط قرن ۱۶ ارتباط داشت و حفظ خاک در چین، هند و پرو حدود ۲۰۰۰ سال پیش اعمال می‌شد اما چنین نگرانی‌هایی به یک جنبش عمومی یا نگرانی عمومی تبدیل نشد (Britannica.com). در واقع تاریخ شکل‌گیری آنها به قرن ۱۹ نوزدهم بر می‌گردد. در آمریکا جامعه حمایت از حیوانات وحشی در سال ۱۸۶۶ شاید اولین سازمان زیست محیطی، حداقل در سطح ملی بوده است (Rootes, 2004: 6). ریشه این جنبش‌ها به طور اساسی در حفاظت و استفاده بهینه از منابع و میراث گذشته و طبیعی بشر است و بیشتر تحت تاثیر مکتب رماتیسیسم، طرفداری از محیط زیست در قرن نوزدهم در اکثر کشورهای اروپایی رشد کرد. برای نمونه انجمن حمایت از پرندگان و یا انجمن دوست داران طبیعت در بسیاری از کشورهای اروپایی ایجاد شد.

### ۳. انواع جنبش‌های اجتماعی زیست محیطی

#### ۱.۳ محافظه کار

حفظ طبیعت جنبشی است که در مراحل اولیه شکل‌گیری جنبش‌های زیست محیطی در اروپا و آمریکا به وجود آمد. این جریان می‌تواند به نیمه دوم قرن نوزدهم بر گردد. با ظهور جنبش‌های جدید اجتماعی در ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ این جنبش رادیکالیزه و بازنگری شد. علائق اولیه این جنبش بیشتر حول حفظ‌حیات وحش و محیط‌های زیبا و به ویژه در ایالات متحده آمریکا حفظ و استفاده بهینه از منابع بیشتر می‌چرخیده است (Hays, 1987). این جنبش وضع موجود را کمتر مورد چالش قرار داده است و تاریخ طولانی آن گذاستن برچسب new یا جدید بر آن را دشوار کرده است. و بخاطر انتقادش محدودش از وضع موجود، ترجیح می‌دهند که استراتژیهای معمول مانند لابیگری یا رشد آگاهی عمومی نسبت به مسائل زیست محیطی را درپیش بگیرند. برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهند که: حامیان حفظ طبیعت بیشتر تمایلات

فرهنگ سیاسی و جنبش‌های زیست محیطی در غرب (لقمان کاظم‌پور) ۱۶۱

مرکزگرا را حفظ کرده اند .. آنها به لحاظ فرهنگی تمایل دارند که به مسائل موضعی لیبرال داشته باشند (Dalton, 1994).

### ۲.۳ نوگرا

محیط زیست گرایی نوین از قرن ۲۰ یعنی در سال ۱۹۶۰ با انتشار بهار خاموش توسط راشل کارسون نه فقط نگرانی نسبت به استفاده گسترده از د.د.ت و سایر آفت کش ها را ایجاد کرد، بلکه به شروع جنبش نوین محیط زیست نیز کمک کرد (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۸۶۲). یکی از مهم‌ترین مسائل مورد تاکید جنبش‌های زیست محیطی در این دهه، رشد نگرانی‌ها نسبت به مسائل هسته‌ای و ظهور جنبش ضد انرژی هسته‌ای بوده است. این جنبش‌های تک موضوعه یکی از مهمترین ویژگی‌های جنبش‌های زیست محیطی در این دهه را نمایش می‌دهد (speth, 2009: 84-87).

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، جنبش‌های زیست محیطی مسائل و اهداف دیگری را برای خود تعریف کردند که شامل تاکید بر مسائلی مانند کیفیت سبک زندگی، تعریف رابطه انسان با محیط، حمایت از حقوق حیوانات، گیاه خواری و.. بود که همگی سبک جدیدی از زندگی و مسائل جدید مورد تاکید محیط زیست گرایان را نشان می‌دهد، در واقع، ایدئولوژی بوم گرایی در این دوره به یک تغییر فکری در انسان و تغییر در نهادهای مدرن که بیشتر غیر متمرکز، دمکراتیک و بیشتر هماهنگ با محیط باشند، می‌اندیشید (Rucht, 1989: 68). از جمله مهمترین این جنبش‌ها می‌توان به ۱. صلح سبز (یک سازمان مستقل مبارزاتی است که از تقابل صلح‌آمیز و خلاقانه برای افشاء مشکلات زیست محیطی جهانی استفاده می‌کند و راه‌حل‌هایی را برای آینده‌ای سبز و صلح‌آمیز ارائه می‌دهد. صلح سبز معتقد است که این زمین شکننده است. سزاوار یک صداست. به راه حل‌ها نیاز دارد. به عمل نیاز دارد. این جنبش هدف خود را این چنین تعریف کرده است: هدف ما اطمینان از توانایی زمین در پرورشش زندگی با همه تنوع آن است. (Greenpeace, Who we are, 2019). ۲. جنبش‌های محیط زیست پاد فرهنگ: جنبش‌هایی مانند: «اول زمین، کلاتران دریا، نهضت آزادی حیوانات و اکو فمینیست‌ها» را می‌توان در محیط زیست گرایی پاد فرهنگ طبقه بندی کرد. این گروه بیشتر در میان طبقه متوسط ضد کاپیتالیست و چپ جدید ظهور کرد. این جنبش‌ها بیشتر طرفدار حقوق حیوانات و حمایت از طبیعت هستند که همه آنها بازتابی از سبک جدید در محیط زیست گرایی است (Rucht, 1989: 66).. به عبارتی این جنبش‌ها بر اولویت احترام به طبیعت در مقابل تمامی

نهادهای بشری تاکید می کنند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۳). همه این جنبش های پاد فرهنگ از بوم شناسی ژرف متأثر بوده اند. در بوم شناسی عمق نگر، تمام عناصر محیط زیست اجزاء یک کل هستند و در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۷: ۱۶۴). متأثر از اکولوژی عمق نگر، در واخر دهه ۱۹۷۰ شماری از "اکولوژیست های رادیکال به رهبری دیوید فورمن"، جنبش اول زمین را ایجاد کردند. جنبشی که فعالیت اصلی آن نافرمانی از قوانین مدنی و حتی خرابکاری علیه تاسیسات صنعتی زیانبار، حفاری ها و دیگر تجاوزها به طبیعت بود (ظاهر پور، جاویدی، باقری، تقی زاده، ۱۳۹۵: ۶۱). جنبش دوستان زمین، صندوق جهانی حیات وحش و گروه ده: صندوق جهانی حیات وحش در شش موضوع جهانی کار می کند: جنگل ها، آب شیرین، اقیانوس ها و سواحل، گونه های مورد تهدید، تغییرات آب و هوایی و سموم و برای هر کدام از آنها برنامه مشخصی تعیین کرده است. این صندوق با حمایت ۵ میلیون نفر در سراسر جهان، تقریباً در صد کشور، فعالیت می کند (WWF, 2001:4).

جنبش دوستان زمین نیز به دنبال داشتن صلح جهانی صلح آمیز و پایدار مبتنی بر جوامعی است که زندگی شان در تعادل و هماهنگی با طبیعت باشد و هدفش را: توقف تخریب محیط زیست و فرسایش منابع طبیعی، بسیج مردم و افزایش آگاهی مردم و مشارکت در تصمیم گیری ها و سازیهما تعریف کرده است. جنبش زیست محیطی گروه ده جنبشی است که ابتدا در امریکا شکل گرفت. در دهه ۱۹۸۰ نهادهایی مثل باشگاه سی یرا و انجمن اودابن، صندوق دفاع از محیط زیست و مدافعان حیات وحش در معاهده ای بنام گروه ده متحد شدند. دشمنان آنها عبارتند از توسعه کنترل نشده و دیوانسالاری های غیر مسول است که توجهی به حمایت از ذخایر طبیعی ندارند (tavaana.org). آنها خود را دوستدار طبیعت به ویژه طبیعت وحشی معرفی می کنند و به وجود چنین احساسی نزد همگان صرف نظر از تفاوت های اجتماعی توسل می جویند. از ۱۹۹۰ طرفداران محیط زیست شروع به اعمال نفوذ بر سیاست اجتماعی در کشورهای اروپایی کردند و در کنار احزاب دیگر به احزاب مطرح در این کشورها تبدیل شدند چرا که حزب را وسیله ای برای اعمال نفوذ در فراگرد قانونگذاری می بینند، چه در هنگام طراحی سیاست های ملی، چه در زمان بحث لوایح و چه در زمان به اجرا گذاشتن این سیاست ها. از جمله احزاب می توان به حزب سبز آلمان اشاره کرد.

## ۴. ایدئولوژی‌های جنبش‌های زیست‌محیطی در اروپا و آمریکا

### ۱.۴ نسبت محیط زیست و مدرنیته به مثابه یک کل

مدرنیته یک کلیتی است که تمام اجزاء آن (اقتصاد، سیاست، هنر و ..) کل منسجمی را تشکیل می‌دهند. این عصر عصری است که زمینه سلطه انسان بر محیط خود و انسانهای پیرامونش را فراهم کرد. عصر مدرن با تشویق انسان به تصرف در طبیعت منجر به تغییر شکل و ماهیت طبیعت بر اساس ایده‌های خود کرد و همین منجر به استفاده بی حد و حصر از منابع طبیعی به عنوان مواد اولیه کارخانه‌های صنعتی و رشد انبوه مصرف‌گرایی شده است. به طوریکه این روند باعث کاهش در منابع اکولوژیکی جهان شده است. همین امر باعث تولید الاینده‌های صنعتی و گرم شدن کره زمین شده است که سلامت و رفاه انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به مبنای آن منجر به شکل‌گیری مشکلات اجتماعی و امنیتی در جوامع مدرن برای مثال جنگ بر سر منابع کمیاب و سایر مشکلات شده و خواهد شد. به طوریکه طبق برآوردها تا سال ۲۰۵۰ مشلات زیست محیطی منجر به اوراگی و جابجایی یک میلیارد نفر خواهد شد و نتیجه این افزایش تهدیدات برای تمام کشورها خواهد بود (Hoogvelt, 1997: 10 & Anderson and white, 2009: 85). بنابراین مدرنیته و به مبنای آن انقلاب صنعتی زمینه تسلط انسان بر طبیعت شد و به موازات آن تخریب محیط زیست تسریع شد که منجر به مشکلاتی شده است که همه شاهد آن هستیم.

## ۲.۴ اهداف جنبش‌های زیست‌محیطی

### ۱.۲.۴ صنعت

بدون شک الگوی توسعه اقتصادی در جهان طی قرن بیستم و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم متضمن بهره‌گیری بی حد و حصر از منابع طبیعی بوده است که خود ضمن تخریب این منابع به الودگی‌های زیست محیطی افزوده و مسائل زیست محیطی زیادی را شکل داده است. از این رو یکی از مولفه‌های مهم اندیشه زیست محیطی تمرکز بر اصل بقا و قناعت است. بدین معنی که نظام تولید صنعتی باعث نابودی محیط زیست می‌شود و ارزش‌های جدید اجتماعی و زیست محیطی جدیدی را جایگزین اخلاق مصرفی فعلی کنند. بنابراین مفهوم توسعه پایدار برای آینده انسان در این زمینه یک مفهوم کانونی است. از دیدگاه اندرو دابسون، سه اندیشه اصولی در ارتباط با نظر محدودیت‌های رشد وجود دارد: نخست اینکه راه حل‌های

تکنولوژیکی جامعه ای ماندگار به بار نخواهد آورد. دوم اینکه نرخ های رشد شتابان که مورد هدف جوامع صنعتی و رو به صنعتی است معنایی جزء انباشته شدن هرچه بیشتر خطرها در یک زمان طولانی ندارد و می تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد. سومین اندیشه به قضایای مربوط به کنش متقابل ناشی از رشد ارتباط دارد، یعنی حل یک مسئله موجب حل مسئله دیگر نمی شود و حتی ممکن است آن را تشدید کند (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۶۸). بنابراین از دیدگاه محیط زیست گرایان ضرورت دارد که تجدید نظر اساسی در دیدگاه و آگاهی انسان در ارتباط با طبیعت صورت بگیرد و انسان باید وظیفه خود را در قبال طبیعت که شامل احیاء، مراقبت و بازتولید اکوسیستم است، انجام دهند (Janitskii, 1990: 43).

#### ۲.۲.۴ تاکید بر کاهش جمعیت

موضوع کاهش جمعیت و میزان نرخ رشد آن یکی دیگر از مولفه های اندیشه های زیست محیطی است. از جمله کسانی که در این زمینه نظر داده است توماس مالتوس است که معتقد بود رشد بی رویه جمعیت باعث قحطی در مواد غذایی خواهد شد. اکولوژیست های امروزی نیز به دنبال کاهش جمعیت هستند. که برخی دیدگاه های آنان متعصبانه متوجه جهان سوم می شود. این جنبه از اندیشه های محیط زیست گرایان موافقت ها و مخالفت های جدی را در پی داشته است به نحوی که اجرای سیاست های کاهش جمعیت در کشورهای جهان سوم با عکس العمل های مهمی روبرو بوده و این اعتقاد را تقویت کرده است که جهان صنعتی خود مخرب محیط زیست و نیز دارای مصرف بالاست عامل اساسی تخریب محیط زیست به شمار می آید و نه جمعیت کشورهای جهان سوم، حتی این توضیح در کنفرانس زمین ریو در سال ۱۹۹۴ نیز بحث های جدی بین شمال و جنوب به وجود آورد. با این وجود محیط زیست گرایان میانه رو نگاه سبزیهای افراطی را در کاهش جمعیت رد می نمایند. بیانیه های حزب های سبز در سال ۱۹۹۴ که اقدام های اجباری و سرکوبگرانه مهار جمعیت را محکوم نمود، نمونه از آن می باشد (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۱).

#### ۳.۲.۴ جهان گرایی

یکی دیگر از مولفه های اندیشه محیط زیست گرایی است یعنی توجه به مشکلات زیست محیطی در بعدی جهانی. این شعار در نزد محیط زیست گرایان به این معنی است که مفهوم ملی دیگر به اندازه کافی مناسب نیست (HEIJDEN,2006:29). یعنی محدوده تفکر محیط

زیست‌گرایی صرفاً حوزه محلی یا ملی آنها نیست، بلکه این تفکر، جهان‌گرایانه و شامل انسان و محیط است. به همین خاطر محیط زیست‌گرایان معتقدند که برای حفظ محیط زیست جهانی و راهبر بودن اندیشه سبز در جهان، باید قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای حفظ محیط زیست در جهان ایجاد کرد. برای مثال جنبش‌های زیست محیطی به شدت در حال لابی‌گری در اتحادیه اروپا در تلاش برای تاثیر گذاری و نفوذ بر رژیم‌های محیط زیستی جهانی در زمینه مسائلی مانند تغییرات آب و هوایی، نابودی تنوع زیستی و بیابان‌زایی هستند و حتی در تلاش برای تبدیل تصمیمات بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی در یک مسیر محیط زیست‌گرا تر هستند، برای مثال، محدودیت‌های تجاری زیست محیطی (HEIJDEN, 2006: 29). بنابراین برای ایجاد یک آینده بهتر و کاهش تهدیدات ناشی از بحران‌های زیست محیطی جنبش‌های زیست محیطی باید در عرصه جهانی تقویت شوند و بیشتر در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دخیل داشته شوند چرا که "آنها شدت عمل و توانایی لازم را در رهبری کردن توجهات و خلاقیت لازم در زمینه مسائل زیست محیطی را دارند" (VERTOVEC & POSEY, 2003: 39).

## ۵. فرهنگ سیاسی و جنبش‌های زیست محیطی

فرهنگ سیاسی، به مجموعه‌ای از اعتقادات، ارزش‌ها و احساسات نسبت به نظام سیاسی اشاره دارد که به طور گسترده‌ای توسط یک جامعه سیاسی شکل گرفته است. چنین اعتقاداتی شامل جهت‌گیریهای عاطفی و تجربی نسبت به اهداف نظام سیاسی و نیز جهت‌گیریها نسبت به ورودی و خروجی‌های حاکمیت سیاسی است (Ullman 1979). یک فرض کلیدی فرهنگ سیاسی این است که نظام باورها و واکنش سیاسی افراد و نهادها را محدود می‌کند (Kornberg and Clarke 1992). بنابراین، درک فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌تواند در پیش‌بینی و توضیح رفتار سیاسی آن کمک کند. مطالعه ما از فعالین محیط زیست‌گرا بر این است که تلاش دارد که فرهنگ سیاسی که یک جنبش اجتماعی در آن فعالیت می‌کند را توضیح دهد و یا به عبارتی فرهنگ سیاسی یک جنبش اجتماعی را توضیح دهد. جنبش‌های اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از بازیگرانی که از طریق غیر رسمی بهم لینک می‌شوند و توسط نظام اعتقاداتی مشترکی که نظم سیاسی یا اجتماعی را به چالش می‌کشند متحد می‌شوند، تعریف می‌شوند. بنابراین یک مجموعه خاص از باورها و ارزش‌ها درباره سیاست و محیط زیست به عنوان پیش فرض‌هایی عمل می‌کند که مشارکت‌کنندگان در این جنبش‌ها را با هم متحد کرده و

آنها را برای فعالیت سیاسی شان آماده می کند. (converse, 1964). این مجموعه اعتقاداتی خاص که بر اساس نوع جهان بینی خاص ارتباط انسان و طبیعت به وجود آمده است بنا به وجود فرهنگ سیاسی خاص در جامعه می تواند جهت گیری خاصی نسبت به سیاست و مشارکت در آن ایجاد کند و که برخی از آن به عنوان پارادایم فرهنگ محیط زیست گرایی یاد می کنند. بنابراین فرهنگ سیاسی جامعه می تواند زمینه تکامل یا محدود سازی جنبش های اجتماعی را فراهم سازد.

گروه های زیست محیطی بحث برانگیز و بازیگران مشهود در صحنه سیاست معاصر هستند. (1: DALTON, RECCIA & ROHRSCHEIDER, 2003). آنها با داشتن منابع خاص خود: اطلاعات درست درباره مسائل زیست محیطی، ارتباط با مردم و شکل دادن تظاهرات- می توانند سیاست های دولت های متبوع خود را در قبال مسائل زیست محیطی به چالش بکشند. کشورهای اروپایی و آمریکا، متناسب با فرهنگ سیاسی خود رویکرد خاصی را نسبت به مسائل زیست محیطی دارند. از آنجا اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی دموکراسی های مشارکتی هستند جایگاهی خاصی را برای گروه های مختلف جهت اثر گذاری بر فرایند سیاست گذاری تعرف کرده اند برای مثال تحقیق در مورد جنبش های زیست محیطی در اروپا و آمریکا نشانگر این است که این گروه ها در حال کار با اعضای پارلمان، شهادت دادن در برابر کمیسیون های دولتی و مشارکت در دیگر فعالیت های لابی گری هستند. نشان می دهد که جنبش زیست محیطی از روشهای متنوع متعارف و غیر متعارف برای بدست آوردن منابع، اتحاد ها و نفوذ و اثر گذاری بر فرایندهای سیاسی استفاده می کند (DALTON, RECCIA & ROHRSCHEIDER, 2003: 2). در کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا، محیط زیست گرایان کنترل ۲۰ از ۵۸ کانتی را از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ در دست داشتند. در آلمان غربی در سال ۱۹۸۳، در دوره مبارزات صنعتی، حزب سبز ۷ درصد از آراء را بدست آورد و سهم حزب دموکراتیک مسیحی ۵ درصد کاهش یافت. این حوادث ارتباط میان مرگ سیاست های راست و چپ قدیم و ظهور مسائل مسائل جدید مانند محیط زیست گرایی در چشم انداز سیاسی جریان اصلی را نشان می داد. (Rothacher, 2007: 109).

در سال ۲۰۱۷، سبزه ها پس از پیروزی نسبی ۹ درصدی در انتخابات عمومی، با ایجاد تغییرات ساختاری و دخالت برخی عوامل، در سال ۲۰۱۹ در انتخابات پارلمان اروپا به نتیجه ۲۰.۵ درصدی رسیدند که بهترین رکورد آنها در سطح ملی است. در حال حاضر، حزب سبز آلمان به رهبری آنالنا بائرباخ و روبرت هابک سومین نیروی سیاسی مهم در این کشور



## فرهنگ سیاسی و جنبش‌های زیست محیطی در غرب (لقمان کاظم‌پور) ۱۶۷

محسوب می‌شود. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۸). بنابراین آلمان یکی از کشورهای عمده اروپایی است که در آن ظهور یک جنبش اجتماعی زیست محیطی منجر به یک فرایند مدرن اکولوژیکی و تاسیس یک حزب سبز شده است (WOLINSKY-NAHMIAS, 2004: 277). جدول زیر موفقیت گروه‌های زیست محیطی در فرایندهای انتخاباتی کشورهای غربی را به طور جزئی تری نشان می‌دهد.

**Table 1 Electoral performance of selected European green parties**

	First Green MP elected	Average % vote national elections			Number of MPs <sup>a</sup>
		1980s	1990s	2000–2006	
Austria	1986	4.0	6.0	10.3	21
Belgium <sup>b</sup>	1981	5.9	10.9	5.6	4
Finland	1983	2.8	6.9	8.0	14
France	1997	1.1	7.2	4.4	3
Germany	1983	5.1 <sup>c</sup>	6.3	8.4	51
Ireland	1989	1.0	2.1	3.7	6
Italy	1987	2.5	2.7	2.1	15
Luxembourg	1984	6.8	8.9	11.6	7
Netherlands <sup>d</sup>	1990	–	5.0	5.6	7
Spain	2004	0.9	*	*	1
Sweden	1988	2.9	4.3	4.9	19
Switzerland	1979	7.1	5.5	7.4	13

ساخت فرهنگ سیاسی دمکراتیک در کشورهای اروپایی زمینه دسترسی چند جنبه را برای سبزه‌ها در مجالس ملی آن کشورها فراهم کرده است و قبلاً این ساخت با احزاب اولیه، اعتبار و توانایی می‌بخشید، امروزه به عنوان آزمایشگاهی برای احزاب سبز و ائتلاف آنها عمل می‌کند و این ساختار فرصت سیاسی (ناشی از فرهنگ سیاسی) کشورهای اروپایی حتی امکان حضور سبزه‌ها را پارلمان اروپا به عنوان یک پلتفرم سیاسی خاص فراهم کرده است.

بنابراین، با توجه به وجود تاریخ طولانی فرهنگ سیاسی دمکراتیک در غرب که نظام سیاسی دمکراتیک را تسهیل کرده است (Dang, 2020: 404) جنبش‌های اجتماعی زیست محیطی به سطحی از نهادینگی دست یافته‌اند که امروزه طیف گسترده‌ای از نهادها و سازمانها و احزاب و تشکل‌های سازمان یافته در این کشورها به وجود آمده‌اند و به مولفه‌های مهم سیاسی و فرهنگی این جوامع تبدیل شده‌اند. به همین دلیل در سده بیست و یکم ساختار دمکراتیک نظام سیاسی عنصر کلیدی در شکل‌گیری تغییر اجتماعی در جهت حل مشکلات

محیط زیستی است. این تحولات دمکراتیک در کشورهایی با ساختار فرصت های باز سیاسی این را می رساند که حل مشکلات بوم شناختی صرفا با به کار بردن تکنیک در طبیعت ممکن نیست بلکه ایجاد "اخلاق بوم شناختی" از طریق مشارکت ممکن است زیرا هنجارها فقط با مشارکت شهروندان پذیرفته و مشروع می شوند. از این رو، راه حل مسائل بوم شناختی با برقراری نظم اجتماعی دمکراتیک پیوند می یابد. به همین خاطر ساختار اقتدارگرا نمی تواند برای حل بحران های محیط زیستی مفید باشد. اگر حاکم اقتدار گرا بخواهد از قدرت خود برای حفاظت از محیط زیست استفاده کند، ساختارهایی که او را قادر به اعمال قدرت می کنند. ممکن است به همان سادگی مورد استفاده جانشینانش برای مطامع کوتاه مدت و محلی آنها در جهت تخریب بیشتر و حتی سریع تر زمین قرار گیرند. هر گونه پاسخ اقتدار گرایانه به بحران های محیط زیستی به جای رفع آنها به تشدید آنها می انجامد و در اینجا پیوند آشکار دمکراسی و محیط زیست برای همه آشکار می شود (مصلح، ۱۴۰۰: ۲۱-۲۲).

## ۶. نتیجه گیری

محیط زیست همواره تاثیر مستقیمی بر زیست جهان انسان داشته است. محیط طبیعی در ابتدا حاکم بر سرنوشت انسان بوده است و حتی اجزاء محیط طبیعی توسط انسان به عنوان تابو و خدا در نظر گرفته می شدند. با شروع جنبش روشنگری و اهمیت یافتن انسان، روابط انسان و محیط طبیعی وارد فاز جدیدی از تحولات شد و با شروع انقلاب صنعتی نوع انسان سلطه خود را بر طبیعت تثبیت کرد و توانست آن را بر اساس ذهن خود تغییر دهد و با تمام نیروی خود طبیعت را در قفس آهنین عقلانیت ابزاری محصور کند اما با گذشت زمان این سلطه منجر به ایجاد مشکلاتی در جهان انسان شد از جمله مشکلات زیست محیطی، آلودگی های گسترده، شکل گیری شهرها و حاشیه و.. که منجر به ایجاد بحرانهای سلامتی، اجتماعی و روانی انسانها شد و هم اکنون نیز جهان را با خطرات بازگشت ناپذیری مواجه کرده است. برای پاسخ به این بحرانها و کاهش آنها گروه ها و انجمن های مختلفی در اروپا و آمریکا شکل گرفت یکی از این گروه ها، جنبش های زیست محیطی هستند. این جنبش ها ابتدا در قرن ۱۹ با جنبش حفظ طبیعت که در نزد برخی به عنوان جنبش محافظه کار شناخته می شود در اروپا و آمریکا شکل گرفت. پس از آن در قرن ۲۰ با شکل گیری جنبش های اجتماعی جدید که برخلاف جنبش های اجتماعی قدیم بر مسائل کار و تولید متمرکز بودند بر کیفیت زندگی انسانها از جمله داشتن محیط زیست پاک و سالم تاکید می کردند وارد عرصه سیاسی و اجتماعی کشورهای

## فرهنگ سیاسی و جنبش‌های زیست محیطی در غرب (لقمان کاظم‌پور) ۱۶۹

صنعتی شدند. هدف این جنبش‌های زیست محیطی انتقاد از سیاست‌های زیست محیطی حکومت‌ها و الگوهای توسعه‌ای آنها، افزایش آگاهی مردم در زمینه مخاطرات طبیعی و... بوده است و این جنبش‌ها با استفاده از منابع خاص خود از جمله برگزار کردن میتینگ، تظاهرات، ورکشاپ و دسترسی به رسانه‌ها به عنوان گروهی مهم و دارای نفوذ، حاکمان کشورهای صنعتی را وادار به شناسایی خود کرده‌اند و به دلیل حاکمیت فرهنگ سیاسی مشارکتی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، اجازه فعالیت به این جنبش‌ها داده و زمینه دسترسی آنها را به اطلاعات در زمینه مسائل زیست محیطی فراهم کرده است و این عامل خود باعث تثبیت آنها به عنوان گروه‌های پر نفوذ در زمینه مسائل زیست محیطی شده است و در برخی از کشورهای اروپایی تا حد احزاب سیاسی ارتقا پیدا کرده‌اند مانند آلمان و توانسته‌اند کرسی‌هایی را مجلس ملی این کشور کسب کنند. بنابراین فرهنگ سیاسی دمکراتیک در این کشورها باعث تداوم و تحول این جنبش و تبدیل به عنوان گروه‌های اجتماعی و سیاسی پر قدرت در این کشورها شده است.

### کتاب‌نامه

- بلیس، جان و اسمیت، استیو، (۱۳۸۷)، *جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین*. تهران: موسسه انتشارات فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- درخشه، جلال (۱۳۸۴)، *جستاری در اندیشه بوم‌گرایی*، نشریه دانش سیاسی، ش ۱. صص ۱۵۹-۱۸۰
- سیمبر، رضا، خادمی شاه مختار، ماهرخ و آشوری، سعید، (۱۳۹۲)، *نقش سازمانهای غیر دولتی در حمایت از محیط زیست*، اولین همایش ملی برنامه ریزی حفاظت، حمایت از محیط زیست پایدار، همدان: دانشکده شهید مفتح.
- طاهر پور، محمد شریف، جاویدی، طاهره، باقرای، خسرو و نقی زاده، حسن (۱۳۹۵)، *مبانی، اصول و روش‌های تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام*، فصلنامه پژوهش در مسائل و تربیت اسلامی، شماره ۳۰.
- فروتن کیا، شهروز و نواح، عبدالرضا (۱۳۹۷)، *جامعه‌شناسی محیط زیست*. تهران: نشر اندیشه احسان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: نشر قومس.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۵۹)، *عصر اطلاعات ۲: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت و هویت*، ترجمه: احد علیقیان و افشن خاکباز. تهران: نشر طرح نو.

۱۷۰ سیاست کاربردی، سال ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مصلح، پگاه (۱۴۰۰)، مسئله محیط زیست؛ اولویتی در ساحت نظریه پردازسی سیاسی، فصلنامه علمی رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره ۱۳، ش ۱ (پیاپی ۶۷).  
مشیرزاده، حمیرا و هاشمی، سیده فاطمه، (۱۳۹۲)، نقش جنبش های فراملی در تدبیر جهانی زیست محیطی. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳ ش ۱. صص ۱۹۹-۲۱۵.  
نش، کیت (۱۳۹۲)، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز. نشر: کویر.

- Anderson , Ray C. and White, Robin. (2009). Confessions of a Radical Industrialist: Profits, People, Purpose—Doing Business by Respecting the Earth ,, NewYork: St. Martin’s Press. nations, England, sag publications.
- Converse, Philip E. 1964. "The Nature of Belief Systems in Mass Publics." In *Ideology and Discontenty* edited by David E. Apter. Glencoe: Free Press. -Dalton, R.J., M. Kuechler, and W. Bürklin. 1990. "The Challenge of New Movements." Pp. 3–20 in *Challenging the Political Order: New Social and Political Movements in Western Democracies*, edited by R.J. Dalton and M. Kuechler. New York: Oxford University Press.
- DALTON, RUSSELL J, RECCIA, STEVE & ROHRSCHEIDER, ROBERT, (2003), THE ENVIRONMENTAL MOVEMENT AND THE MODES OF POLITICAL ACTION. Article in *Comparative Political Studies*.
- DOHERTY, BRIAN & DOYLE , TIMOTHY (2006), Beyond Borders: Transnational Politics, Social Movements and Modern Environmentalisms. *Environmental Politics*, Vol. 15, No. 5.
- Dalton, Russell. 1994. *The Green Rainbow: Environmental Interest Groups in Western Europe*. New Haven: Yale University Press.
- Gabriel A. Almond & verba, Sydney.(1989), civic culture: political attitudes and democracy in five .
- HEIJDEN, HEIN-ANTON VAN DER,(2006), GLOBALIZATION, ENVIRONMENTAL MOVEMENTS, AND INTERNATIONAL POLITICAL OPPORTUNITY STRUCTURES, *Organization & Environment*, Vol. 19 No. 1, March 2006 28-45 . DOI: 10.1177/1086026605285452.
- Hays, Samuel.P. 1987. *Beauty, Health, and Permanence: Environmental Politics in the United States, 1955–1985*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Hays, Samuel P .THE ENVIRONMENTAL MOVEMENT, *ENCYCLOPEDIA PREVIEW*.
- Hoogvelt, Ankie, (1997), "Globalization and the Postcolonial World: The New Political Economy of Development", the Johns Hapkins University Press.
- Kornberg, Allan, and Harold D. Clarke. 1992. *Citizens and Community: Political Support in a Representative Democracy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lanitskii, O.N, (2016), *The Environmental Movemen*, University of California Santa Barbara], can be found at : <http://www.tandfonline.com/action/journalInformation?journalCode=msor19>.
- Marchant, James, Spinelli, Valeria & Hoseini, Mo, PARADISE LOST? Developing solutions to Irans. environmental crisis.

## فرهنگ سیاسی و جنبش‌های زیست محیطی در غرب (لقمان کاظم‌پور) ۱۷۱

- Melucci Albero. 1989. *The Nomads of the Present: Social Movements and Individual Needs in Contemporary Society*. London: Hutchinson Radius
- Rogan, Frances & Budgeon, Shelley (2018), *The Personal is Political: Assessing Feminist Fundamentals in the Digital Age*, Soc. Sci.
- Rosenbaum, Walter A. 1975. *Political culture*. New York: Praeger
- Rucht Dieter. 1989. Environmental movement organizations in West Germany and France: structure and interorganizational relations. In *Organizing for Change: Social Movement Organizations in Europe and the United States*, ed. B Klandermans, pp. 61-94. Greenwich, CT: JAI Press.
- Rothacher, Albrecht, (2007), *The Green Party in German Politics*. Berlin Published online: <http://dx.doi.org/10.1080/01402388408424489>.
- Rootes, Christopher** (2004), **Environmental movements**. *The Blackwell Companion to Social Movements*, Oxford & Malden MA: Blackwell.
- Scott, Alan. 1990. *Ideology and the New Social Movements*. London: Unwin Hyman.
- Speth , Gus. (2009). *The Bridge at the Edge of the World: Capitalism, the Environment, and Crossing from Crisis to Sustainability* , New Haven, CT: Yale University Press.
- Tilly, Charles. (1999). From interactions to outcomes in social movements. *How social movements matter*, 10, 253-270 .
- Ullman, Stephen. H . 1979. "Regional Political Culture in Canada: A Theoretical and Conceptual Introduction." In *The Canadian Political Process*, 3rd éd., edited by Richard Schultz, Orest M . Kruhlik, and John C. Terry. Toronto: Holt, Rinehart and Winston of Canada.
- VERTOVEC, STEVEN & POSEY, DARRELL(2003), *Globalization, Globalism, Environments, and Environmentalism : Consciousness of Connections*. Published in the United States by Oxford University Press Inc., New York © Oxford University Press.
- WOLINSKY-NAHMIA, YAELWOLINSKY,(2004), *The Environmental Movement and the Greening of the State*. *InternationalStudiesReview* . 6, 275-278.

### Websites

- Environmentalism - History of the environmental movement | Britannica.
- Green spaces (2019), <https://www.greenpeace.org/international/explore/about/>
- WWF (2001), *WWF Annual Report 2001(40 years conservation achievement)*. Available at : <http://d2ouvy59p0dg6k.cloudfront.net/downloads/wwf01rapportang.pdf>.
- <https://tavaana.org/fa/en/content/cause-without-rebel-silent-spring-and-rise-environmentalism>.
- حزبی که اروپا را دگرگون می کند (irdiplomacy.ir).